

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

محمد جعفری
۰۵ اکتوبر ۲۰۲۰



محمد جعفری

ترور و قتل یکی از پایه های حکومت ولایت فقیه

به یاد و نام فرماندهان نظامی که با طراحی از پیش تعیین شده به قتل رسیدند.

حال که 39 سال بعد از حادثه هواپیمای سی 130 ارتش در 7 مهر 1360 و کشته شدن فرماندهان نظامی، سرهنگ بهمن فرقانی سرپرست تیم بررسی این حادثه نتیجه و گزارش بررسی تیم را آشکار و بیان کرده است (1)، برای آن دسته از کسانی که در طراحی از پیش تعیین شده به منظور قتل فرماندهان نظامی شک و شبهه ای داشتند، با این گزارش مسجل می شود که سانحه، یک سانحه طبیعی و اتفاقی نبوده، بلکه برای قتل فرماندهان نظامی از پیش طراحی شده است. اینجانب در سال 1377 در کتاب اوین جامعه شناسی زندانی و زندانبان با استناد به کتاب «عبور از بحران» خاطرات روزانه سال 60 آقای هاشمی رفسنجانی و ایماء و اشاره هایی که وی در یادداشتهای خود به دست داده بود، با شناختی که از روش و منش حکومت جمهوری ولایت فقیه داشتم برایم مسلم شده بود که سانحه هوا پیمای نظامی سی – 130، یک سانحه طبیعی و اتفاقی نبوده، بلکه این سانحه برای از بین بردن و قتل فرماندهان نظامی طراحی شده بود. در جامعه همیشه کسانی هستند که بدلیل داشتن موقعیت اجتماعی، انقلابی و یا شرایط ویژه سیاسی و یا نظامی آنان، سر به نیست کردنشان از طریق پرونده سازی و متهم کردن آنان به وابستگی به این و یا آن کشور امکان پذیر نیست. از این رو اینگونه اشخاص را با توطئه های گوناگون سر به نیست می کنند و سپس برایشان اشک تمساح می ریزند و یا به درجه رفیع شهادت نائل می گردانند و در غالب موارد هم از شهادت شان برای اغفال و تحمیق هرچه بیشتر توده برانگیخته شده، استفاده های تبلیغی می کنند. چند نمونه از این سر به نیست کردنها در جمهوری اسلامی با استناد به کتاب " عبور از بحران " آقای هاشمی رفسنجانی که سرنخائی را بدست داده:

دکتر مصطفی چمران، آیت الله لاهوتی، تیمسار فلاحی و سرهنگ فکوری و ...

در کتاب به آنها پرداخته شده است.

اما در این بحث از چگونگی قتل دکتر مصطفی چمران و آیت الله لاهوتی می گذرم و علاقه مندان می توانند به چاپ دوم کتاب جامعه شناسی زندانی و زندانبان ص 76-83 که در سایت قابل دسترسی است مراجعه کنند (2) ولی در اینجا به قتل فرماندهان نظامی پرداخته می شود. و ابتدا، در زیر آنچه قبلاً در کتاب « جامعه شناسی زندانی و زندانبان » آمده، به نقل از کتاب ذکر می شود و سپس به نتیجه گزارش سرپرست تیم تحقیق سانحه هواپیمای سی 130 سرهنگ بهمن فرقانی پرداخته خواهد شد:

قتل تیمسار فلاحی و سرهنگ فکوری:

«برای روشن شدن توطئه قتل سران نظامی، لازم است به عقب برگردیم و زمینه چینی نابودی سران نظامی را با کمک اعتراضات ولی فقیه پشت پرده جمهوری اسلامی، آقای هاشمی رفسنجانی مورد ارزیابی قرار دهیم:

... "در خصوص جنگ و فرماندهی ارتش، مطالب و احتمالات زیادی داریم. فرماندهی بخاطر ناهماهنگی و وحشت از نیروهای خالص اسلامی، مایل است نیروهای غیر اسلامی را در ارتش حاکم کند - که منافع مشترک پیدا کرده اند - و نیروهای خالص دینی را یا منزوی و یا منفصل نماید. خلبان شیرودی که سمبل ایمان و شجاعت و تلاش است، در پادگان ابوزر به من می گفت که امروز ایمان می جنگد نه تخصص، و می خواهد دست مؤمنان را کوتاه کنند. ایشان همراه و همزم خلبان شهید کشوری و خلبان شهید آشوری است. وحشت داشت و به من گفت پیامش را به شما بگویم و ضبط هم شده، احتمال اینکه مدیران جنگ بعثت سیاسی طالب طولانی شدن جنگ باشند، وجود دارد و این احتمال تکلیف آور است. احتمالاً آقای بنی صدر بمنظور تضعیف دولت و شاید - بعضی هم باشند - برای اجرای منویات امریکا و ... مخصوصاً کمبود مهمات و اسلحه قابل توجه است. در این مورد لازم است جنابعالی سریعاً فکری بفرمایید و بهتر است در يك جلسه طولانی و محرمانه با دوستان مورد اعتماد ارتشی نظیر صیاد شیرازی، نامجو، سلیمی، شیرودی و ... با حضور ماها در خدمتتان بحث و تصمیم گیری شود(3) ".

با وجودیکه سران نظامی از بین رفتند و فرماندهی جنگ و ارتش طبق منویات آقای هاشمی بدست نیروهای خالص اسلامی مورد اعتماد وی افتاد، حتی بعد از فتح خرمشهر مانع صلح شد و طبق گفته احمد خمینی، آقای خمینی مایل بود که جنگ تمام بشود، اما مسئولان جنگ موافق پایان کار نبودند (4) جنگ را برای اجرای منویات امریکا و انگلیس طولانی کردند تا سرانجام جام زهر را به آقای خمینی نوشاندند.

سه شنبه 4 فروردین

"با آقای خامنه ای تلفنی صحبت کردم، صحبت از زیاده طلبی آقای بنی صدر در مورد اختیارات شورای عالی دفاع پس از برگشت به قانون اساسی و (همچنین فشار آقای فلاحی) رئیس ستاد مشترک ارتش (برای تحویل گرفتن اسناد دبیرخانه شورا بود) ". عبور از بجران ص(37)

پنجشنبه 28 خرداد

"در باره شورای فرماندهی نیروهای مسلح، با امام صحبت شد. نظر ایشان این بود که فعلاً به همین وضع بماند تا شخص یا اشخاص مناسبی پیدا شوند. پیشنهاد احمدآقا را دادم. ایشان گفتند احمد در هیچ کاری نباید وارد شود. آقایان فلاحی و فکوری را آنجا ملاقات کردم. نگران بودند ولی می گفتند اگر ارتش در جریانات سیاسی دخالت نکند بهتر است و از این جهت عزل بنی صدر را خوب می دانستند (همان کتاب ص 160)

سه شنبه 23 تیر

"گروهی از نیروی هوایی آمدند و پیشنهادهایی داشتند برای تعویض کادر ستاد نیرو پس از سرهنگ جواد فکوری که احتمالاً پست فرماندهی نیروی هوایی را برای پست وزارت دفاع از دست بدهد، چون قانون اساسی دو شغل را اجازه نمی‌دهد" همان کتاب ص 201 کتاب)

سه شنبه 3 مرداد

"افطار را در نخست وزیری با آقایان رجائی، احمد خمینی، موسوی اردبیلی، تیمسار فلاحی و سرهنگ فکوری صرف کردم. فلاحی از عملکرد دادگاه انقلاب و انجمنهای اسلامی و امنیت شغلی افسران شکایت داشت و چاره جویی می‌کرد" (همان کتاب ص 215 کتاب)

چهارشنبه 7 مرداد

"ظهر گروهی از همافران آمدند و خیلی ناراحت بودند و خواهان تصفیه در نیروی هوایی بودند. با توجه به فرار بنی صدر با هواپیمایی از این نیرو. در دفتر آقای رجایی فوراً جلسه با حضور آقای موسوی اردبیلی و سرهنگ فکوری فرمانده نیروی هوایی تشکیل دادیم. سرهنگ فکوری خیلی ترسیده و تعادل خود را از دست داده بود و می‌گفت نیروی هوایی با این دو مورد فرار هواپیما متزلزل شده است. گفتیم زمینه خوبی برای تصفیه ضد انقلاب در نیرو پیش آمده. با مشورت انجمن اسلامی سیاسی - ایدئولوژی نیرو و دادگاه انقلاب ارتش، تصمیمات مهمی گرفتیم. ستاد فرماندهی و فرماندهان پایگاهها را عوض کردیم. جانشین فرمانده را آقای سرهنگ معینی قرار دادیم. اختیارات آقای فکوری را به معینی دادیم" همان کتاب ص 219 کتاب)

یکشنبه 15 شهریور

"پیش از ظهر در خانه ماندم. اول وقت سرهنگ جواد فکوری، فرمانده نیروی هوایی آمد و تذکراتی در مورد جنگ داشت. پیشنهاد برکناری فرمانده نیروی زمینی را می‌داد. در این مورد با تیمسار فلاحی همراهند. این اختلاف قابل توجه است و مزاحم کار؛ از تصفیه نیروی هوایی گله داشت، این هم جالب توجه است" همان کتاب ص 217 کتاب)

جمعه 20 شهریور

"عصر در مجلس جلسه شورای عالی دفاع داشتیم. از تأخیر عملیات مقرر ناراحت بودند. گفتند سپاه آماده نبود. سرهنگ معینی پور را بعنوان فرمانده نیروی هوایی تعیین کردیم و سرهنگ جواد فکوری را مشاور ستاد. سپس جلسه مشورتی داشتیم. احمد آقا هم در هر دو جلسه شرکت داشت" همان کتاب ص 278)

سه شنبه 7 مهر

"اول شب خبر رسید که هواپیمای حامل تعدادی مجروح جنگی، جنازه و چند نفر از سران نظامی، تیمسار فلاحی رئیس ستاد، سرهنگ نامجو وزیر دفاع، کلاهدوز قائم مقام سپاه و سرهنگ فکوری و ... نزدیک تهران، کهریزک سقوط کرده، عده‌ای شهید و عده‌ای زخمی‌اند. تا آخر شب با مراکز نظامی در تماس C-130 بودم. خبر روشنی در علت سقوط و سرنوشت آقایان بدست نیامد. احتمال خرابکاری می‌رود. امکان معمولی بودن حادثه هم هست، باید تحقیق شود. تلخی حادثه فشار و سنگینی زیادی برآیم آورد" همان کتاب ص 307)

چهارشنبه 8 مهر

"اول وقت با ستاد مشترك تماس گرفتم. حادثه هواپیما هنوز در ابهام است. احتمال شهادت فرماندهان نظامی زیادتر شده، چون جلوی هواپیما سوخته است، ولی خلبان و کمک خلبان زنده‌اند. تیمی برای تحقیق اعزام شده‌اند. با احمدآقا و جاهای دیگر تماس گرفتم. قرار شد اعلامیه‌ای که فقط اصل خبر را می‌دهد پخش شود. ساعت 9 صبح در دفتر مهدوی (کمی با حضور احمدآقا و آقای موسوی اردبیلی و آقای خامنه‌ای جلسه‌ای داشتیم. تحقیقات نشان می‌دهد که به احتمال

قوی خرابکاری نبوده است و چهار نفر آقایان فلاحی، نامجو، کلاهدوز و فکوری جزو شهدا هستند. هواپیما حامل 33 جنازه، 32 مجروح و 25 نفر مسافر دیگر بوده است که فقط 23 نفر زنده مانده‌اند. اعلامیه‌ای تهیه شد و امام هم بیانیه دادند. در مورد جانشین آنها مشورت کردیم و تشییع جنازه را به فردا موکول کردیم ("همان کتاب ص 208) در رابطه با این حادثه نکات زیر حائز اهمیت است:

1- اگر برآستی هواپیما سقوط می‌کرد، به محض برخورد به زمین منفجر می‌شد و آتش می‌گرفت، در اینصورت بعید بود که سرنشینان آن جان سالم بدر ببرند، در حالیکه خلبان، کمک خلبان و 23 نفر دیگر زنده مانده‌اند.

2- فقط جلوی هواپیما سوخته است. وقتی هواپیمایی خارج از باند فرودگاهی سقوط می‌کند، بر اثر ضربه‌ای که هنگام برخورد با زمین به آن وارد می‌شود، آتش می‌گیرد و در يك لحظه آتش سوزی به تمام قسمتهای دیگر سرایت می‌کند و نه اینکه فقط جلوی آن آتش بگیرد و به جاهای دیگر سرایت نکند. در لحظه سقوط هم امکانات آتش نشانی در زمین موجود نبوده است که بلافاصله مأمورین آتش نشانی از سرایت آتش به سایر قسمتها جلوگیری بعمل آورند.

3- آقای هاشمی روز بعد از سقوط می‌گوید، چون جلوی هواپیما سوخته است، احتمال شهادت فرماندهان نظامی زیادتر شده، ولی خلبان و کمک خلبان زنده‌اند. برای آقای هاشمی نیز ظاهراً جای تعجب است، با وجودیکه جلوی هواپیما سوخته، خلبان و کمک خلبان که در جلوی هواپیما در کابین هستند زنده‌اند، اما فرماندهان نظامی سوخته‌اند. اگر این يك توطئه از پیش طراحی شده نبوده، آقای هاشمی از کجا می‌دانست که خلبان و کمک خلبان زنده‌اند، ولی احتمال شهادت فرماندهان نظامی زیادتر شده. ثانیاً چه رابطه‌ای است میان سوختن جلوی هواپیما و زیادتر شدن احتمال شهادت فرماندهان نظامی و زنده ماندن خلبان و کمک خلبان؟ این نکته به این مطلب اشارت دارد که هواپیما سقوط نکرده و به زمین نشسته و در زمین توطئه اجرا شده است.

4- چون هواپیما نظامی بوده است، در عرف نظامی و سلسله مراتبی، قانده چنین است که برای احترام، فرماندهان نظامی را در کابین جلوی هواپیما، جایی که خلبان و کمک خلبان هستند جا می‌دهند و آقای هاشمی نیز به این نکته معترف است. پس اگر جلوی هواپیما بسوزد و بخاطر آن آتش سوزی، فرماندهان نظامی از بین رفته‌اند، خلبان و کمک خلبان نیز می‌بایستی همراه آنان از بین رفته باشند.

5- در این حادثه نیز مثل سایر حوادث، اول با احمدآقا، کسی که در غالب توطئه ها همگام، همراه و یا طراح و پیشنهاد دهنده بوده است تماس می‌گیرد و سپس با سایرین جلسه می‌گذارد.

6- در خاطرات 8 مهر می‌نویسد: حادثه هواپیما هنوز در ابهام است و تیم برای تحقیق اعزام شده است. شب بعد از حادثه می‌گوید: باید تحقیق شود. صبح اول وقت می‌گوید: با ستاد مشترك تماس گرفتم، حادثه هواپیما هنوز در ابهام است، تیمی برای تحقیق اعزام شده‌اند. اما ساعت 9 صبح گزارش و تحقیقات رسیده و نتیجه تحقیقات نشان می‌دهد که به احتمال قوی خرابکاری نبوده است و چهار نفر آقایان فلاحی، فکوری، نامجو و کلاهدوز جزو شهدا هستند. چه تیم مجرب و کار آزموده‌ای بوده‌اند که فوری در ظرف کمتر از چند ساعت از يك چنین حادثه‌ای تحقیق کرده و نتیجه آنرا نیز اعلام کرده‌اند. تحقیقات و گزارش تیم تحقیقاتی کجا انتشار پیدا کرد و به اطلاع چه کسان و مقاماتی رسید. آیا خانواده های شهدای این حادثه اجازه داشتند آنرا مطالعه و یا در اختیار وکلای خود قرار دهند؟

7- هواپیما حامل 33 جنازه، 32 مجروح و 25 مسافر دیگر بوده است که فقط 23 نفر زنده مانده‌اند. اینجانب با یکی از آن زنده ها در مورد چگونگی این حادثه صحبت کردم. وی گفت که من در حال و هوای خودم بودم. با ورود به فضای تهران دیدم شهر روشن است. بعد از چند لحظه‌ای دیدم که هواپیما در حال نشستن است، فکر کردم که به باند فرودگاه

رسیده‌ایم و هواپیما برای فرود و نشستن پایین می‌آید. ناگهان در روی زمین صدای مهیبی شنیده و آتش و دود و غباری را مشاهده کردم. از ترس و وحشتی که بر من مستولی شد، نمی‌دانم دیگر چه شد تا اینکه خودم را در بیمارستان دیدم. 8- بعد از حادثه، خانم فکوری، نظر به اینکه جزو خانواده شهدا بود، با آقای کروی سرپرست بنیاد شهید ملاقات و از وی تقاضا می‌کند که پرونده کشته شدن همسرش را تحقیق و رسیدگی کند که چرا وی کشته شده است، در حالیکه 23 مسافر و خلبان و کمک خلبان زنده‌اند و وی اضافه می‌کند که این حادثه، يك توطئه طراحی شده برای از بین بردن آنها بوده است. آقای کروی در پاسخ می‌گوید: اگر مشکلی دارید، پول و یا چیزی لازم دارید بگویید همه چیز را برای شما مهیا می‌کنیم، ولی پیگیر این مسئله نباشید. خانم فکوری می‌گوید می‌خواهم علت کشته شدن همسر را بدانم که به چه گناهی وی بایستی از بین برود. آقای کروی می‌گوید در کشور برخوردهای سیاسی و تقابل وجود دارد و در این برخورد و تقابل ممکن است چیزهای زیادی اتفاق بیفتد. به نفع شماست که این پرونده را پیگیری نکنید و هرگونه چیزی که برای زندگی کردن و تحصیل بچه‌ها لازم است بفرمایید دریغ نخواهد شد.

نارضایتی و نامطمئنی دستگاه رهبری از سران نظامی و تجزیه و تحلیل چگونگی وقوع حادثه با استناد به اعترافات آقای هاشمی، يك شاهد در هواپیما و گفتار خانم فکوری همه دلالت بر وجود يك توطئه از پیش طراحی شده برای از بین بردن سران نظامی بوده است.» و اما

نکته مهم دیگر که در این رابطه باید گفته شود اینکه فرماندهان نظامی، فلاحی و فکوری بدرستی فهمیده بودند که دستگاه رهبری مایل به صلح و خاتمه جنگ نیست و تا همه چیز را از بین نبرند، کار را تمام نخواهند کرد. آنها از این مسئله اظهار نگرانی می‌کردند و در صدد چاره جویی بودند. اوایل سال 60 که امیدشان از آخوندهای مسلط بر دستگاه رهبری قطع شده بود، آقای فکوری با بعضی از بنی صدری‌ها که با جبهه و جنگ سر و کار داشتند و یا رفت و آمد می‌کردند، غیر مستقیم و بطور تلویحی اظهار می‌داشت که با وجود این دستگاه رهبری و این آخوندها که حاضرند قیصریه را فدای دستمالی بکنند، جنگ و مسائل کشور حل نخواهد شد و تا شکست، جنگ را ادامه خواهند داد. لذا آقای بنی صدر باید فکری بکند. و گهگاهی نیز پیشنهاداتی می‌کرد.

تیمسار فلاحی نیز که بین آخوندها مشهور بود که وی يك سیاستمدار برجسته و هم يك فرمانده نظامی است، از وی ترس داشتند و در موارد مختلف این ترس خود را از وجود سران نظامی آشکار می‌کردند. و دستگاه رهبری که همیشه از سران نظامی در ترس و وحشت بسر می‌برد، تصمیم گرفته است که در وقت مناسب آنها را از بین ببرد و کودتای خرداد 60 علیه رئیس جمهور بنی صدر زمینه را برای از بین بردن آن‌ها آماده کرد و بدین منظور است که توطئه حادثه هواپیما از قبل طراحی شده است و نمی‌تواند يك حادثه تصادفی و اتفاقی باشد.

خلاصه آنچه سرهنگ بهمن فرقانی سرپرست تیم بررسی کننده هواپیمای سی 130 ارتش که در آن فرماندهان نظامی کشته شدند، توضیح داده و هم اکنون کامل آن هم در یو توپ موجود قابل دسترسی است (5) در زیر می‌آید:

سرهنگ بهمنی با توجه به داده‌های فنی هواپیمای سی 130 گفت: تحقیقات ما علیه دلایلی بود که خلبان هواپیما بر این حادثه ادعا کرده بود. خلبان مدعی بود که با شنیدن صدای انفجار، برق هواپیما رفته و بعد هواپیما را بطریق مکانیکی در بیابان بر زمین نشانده و در هنگام نشان دادن بال چپ هواپیما به خاک ریز قنات گیر کرده و شکسته شده و در نتیجه بنزین بیرون ریخته و انفجار صورت گرفته است. و خوش و کمک خلبان از دریچه کابین بیرون آمده و بقیه که زنده مانده‌اند از شکاف بدنه قبل از اینکه دود ناشی از انفجار آن‌ها را بکشد بیرون می‌آیند و مابقی کشته می‌شوند.

اما بررسی نشان می داد که تا آخرین لحظه هر چهار موتور هواپیما کار می کرده و حتی علائم ملخ روی زمین هنگام برخورد به زمین نشان می داد که سرعت دور موتور درست بوده است. تحقیقات ما نشان داد که به لحاظ فنی و ساخت هواپیمای سی 130 چنین چیزی امکان پذیر نبوده است.

ادعای دیگر خلبان این بود که نشان دهنده موتورهای آر پی ام صفر را نشان می داده است و این هم درست نبود زیرا تنها موردی که نشان دهند صفر را نشان می دهد وقتی است که برق بهشان نرسد، در مابقی موارد به دلیل اینکه باد ملخ ها را می چرخاند و دوری حدود 12% را نشان خواهد داد، کافی است که خلبان سوئیچ اینورتر را از روی جنراتور برداشته و روی باطری بگذارد و از برق باطری استفاده کند و در این صورت همه چیز نرمال بوده و می توانستند که بنشینند. متأسفانه نقص فنی دلیل قطع برق مشخص نشد... روی افزود که هیچ نوع اثری از اصابت موشک یا ضد هوایی به هیچ جای بدنه هواپیما دیده نشد و در گفتگو با اهالی محل و اطراف محل هیچ کس صدائی نشنیده و چیزی ندیده بود و هیچ دلیلی بر این امر اصلاً وجود نداشت.

از سرهنگ بهمنی سؤال شد: بعضی ها، بعضی از خودی ها می گویند حادثه مشکوک بود.

سرهنگ بهمنی پاسخ می دهد: «در همان موقع این تهمت را به ما زدند که مجاهدین در این هواپیما بمب گذاشته بودند و من که رئیس تیم بودم دارم با آنها همکاری می کنم که این کار را به اصطلاح لاپوشانی بکنم. به خاطر همین من در گزارشم درخواست کردم که یک تیمی از یک کشور دوست برادر بیاید و بدون اینکه اطلاعاتی که ما داریم به آن ها نشان بدهند، دوباره این سانحه را بررسی بکنند. خوشبختانه این کار را کردند و یک تیمی از پاکستان، یک ژنرالی از پاکستان رئیس امنیت پرواز پاکستان با تیم متخصصی آمدند و سانحه را بررسی کردند و دقیقاً همان مطالبی را که ما پیدا کرده بودیم، عین همان ها را، اینها هم تأیید کردند (6)».

با این گفته سرهنگ بهمنی معلوم می شود که خواسته اند با این جنایت دو هدف را تعقیب کنند: هم از دست فرماندهان نظامی راحت شوند و هم جنایت و قتل را به گردن مجاهدین بیندازند. که خوشبختانه به دلیل درایت آقای بهمنی و در گزارش خود، مطرح و پیشنهاد کردن بررسی مجدد سانحه توسط تیمی از یک کشور دوست و برادر هم از تهمت به خود را مبری سازد و هم غیر مستقیم نشان دهد که این سانحه قریب به یقین طرح از پیش تعیین شده ای بوده که توسط کروی (خلبان و ...) هواپیمای نظامی سی 130 به اجرا در آمده است. از بدو تأسیس جمهوری ولایت فقیه، ترور و قتل یکی از پایه های این رژیم مطلقه بوده و چنین جنایات، قتلها و ترور ها به دست عوامل خودی به اجرا در آمده و بعد آن قتل، جنایت و ترور به گردن این و آن انداخته شده و حتی بی گناهایی به این علت اعدام و یا تیر باران شده اند.

محمد جعفری/8 مهر ماه 1399/

نمایه و یادداشت:

1-

<https://www.youtube.com/watch?v=uaUFI-I4UZ8#t=49m53s>

<http://mohammadjafarim.com/wp-content/uploads/2019/04/Ewin-Jameehshenasi-2nd-2->

[Edition.pdf](#)

3-نکته ششم از نامه آقای هاشمی رفسنجانی به آقای خمینی، مورخ 25/11/59، مندرج در کتاب عبور از بحران.

4-روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ 16/1/74

5- خوانندگان محترم بهتر است که خود این اظهارات سرهنگ بمهمن فرقانی رئیس تیم بررسی کننده سانحه هوایمی سی 130 که بر روی یوتیوپ از دقیقه پنجاهم به بعد آمده وموجود است گوش فرا دهند :
<https://www.youtube.com/watch?v=uaUFI-I4UZ8#t=49m53s>